روزنامه شرق

دوشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۸۹ ■ ۵ رمضان ۱۴۳۱ ■ ۱۶ آگوست ۲۰۱۰

سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۰۳۸ ■ شماره ۱۱۴ دوره جدید ■ ۲۰ صفحه ■ ۶۰۰ تومان

مقام معظم رهبری به ستاد دیه کمک کردند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی همزمان با بیستمین جشن گلریزان، ویژه کمک به آزادی زندانیان نیازمند کشور ۷۰۰میلیون ریال به ستاد دیه کمک کردند. به گزارش ایسنا، جشن گلریزان هر سال به همت ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند برگزار می‌شود.

ویژه‌نامه زندگی «شرق» را بخوانید

پرواز بر تابش خورشید

منتخبی از عکس‌های جدید مجید سعیدی

گزارشی از مزون خانگی لباس، اقتصاد زیرزمینی واقعیتی انکارناپذیر، ۱۰ کشوری که بزرگ‌ترین اقتصاد سایه را دارند خیلی از باسوادها کتاب نمی‌خوانند.

داستان طنز سید علی میرفتاح، دعوت به مراسم کتابخوانی از کتاب‌های پارچه‌ای تا محفل خانوادگی، کتاب بپوشید چخوف ۱۵۰ ساله شد و ...

صفحه ۹

نمایندگان حامی دولت خواستار شدند

اعلام برائت رئیس‌جمهور از مشایی

گروه سیاسی: نمایندگان خواستار اعلام برائت محمود احمدی‌نژاد از مواضع اسفندیار رحیم‌مشایی شدند. بیش از ۱۰۰ نماینده مجلس دیروز نامه‌ای را امضا کردند که خطاب به احمدی‌نژاد نوشته شده و از وی می‌خواست به اسفندیار رحیم‌مشایی رئیس دفترش تذکر جدی دهد؛ نامه‌ای که از سوی نمایندگان حامی دولت طرح‌ریزی شده بود. اگرچه این نامه در صحن علنی بهارستان قرائت نشد اما ۱۶نماینده روحانی پارلمان با تذکر کتبی به رئیس‌جمهور هشدار دادند مانع از ادامه اظهارات جنجال‌برانگیز مشایی شود. این در حالی بود که طیفی دیگر از نمایندگان در تلاش بودند برای طرح سوال از رئیس‌جمهور امضا جمع کنند که البته تعداد امضاها در ۳۰ متوقف ماند. اقدامات جمعی نمایندگان مانع از این نبود که بهارستانی‌ها هر کدام علیحده نسبت به این موضوع اعلام ناخشنودی و ناخرسندی کنند. اگرچه پیش‌بینی می‌شد با توجه به رویدادهای ۲۰ روز گذشته که پارلمان در تعطیلات تابستانی بود شروع مجلس شروعی پرسر و صدا باشد و از سوی دیگر تعدادی از نمایندگان از جمله احمد توکلی هشدار داده بود مجلس در مقابل اظهارات مشایی ساکت نخواهد ماند اما موضع‌گیری بهارستان در مقابل رئیس دفتر رئیس‌جمهور با سایر منتقدان در نهادهای دیگر اندکی متفاوت بود؛ چراکه مجلسی‌ها بیش از آنکه از مشایی ناراحت باشند از احمدی‌نژاد به خاطر دفاعش از وی آزرده بودند. چه پس از آنکه اظهارات مشایی درباره «مکتب ایران» مورد اعتراض طیف وسیعی از حامیان و هواداران محمود احمدی‌نژاد قرار گرفت که از احمدی‌نژاد می‌خواست تکلیفش با رئیس دفترش را روشن کند، احمدی‌نژاد نه‌تنها طرف مشایی را گرفت بلکه مواضع مشایی را مواضع «دولت» توصیف کرد و به صراحت گفت: «من هم گفتم مکتب ایران.» از این رو بود که نمایندگان که دیروز از حوزه‌های انتخابیه دور و نزدیک زیر سقف هرمی پارلمان جمع شده بودند انگشت اتهام را از رئیس دفتر رئیس‌جمهور به سوی خود رئیس‌جمهور گرفتند. یکی از تندترین واکنش‌ها از سوی غلامرضا مصباحی‌مقدم صورت گرفت. وی با اشاره به نامه بیش از ۱۰۰ نماینده مجلس به احمدی‌نژاد در موضعی مشابه از رئیس‌جمهور خواست به وی تذکر بدهد تا به گفته مصباحی‌مقدم «پایش را از گلیمش درازتر نکند». به گزارش ایلنا وی افزود: آقای مشایی معمولاً اظهارنظراتی خارج از حیطه وظایف اطلاعات و معلومات خود می‌کند. وقتی انسان خارج از حیطه کارشناسی خود اظهارنظر کند، مشکلاتی را به بار می‌آورد. این نماینده منتقد دولت با بیان اینکه تعبیر مکتب ایران از انقلاب اسلامی موجب سوءبرداشت قوی غیرایرانیان می‌شود، تصریح کرد: متاسفانه این اتفاق افتاده است، این درحالی است که همه همت امام و رهبری این بوده و هست که انقلاب اسلامی را انقلابی برای احیای اسلام ناب محمدی بیان کنند که همه مسلمانان این تعبیر را می‌پسندند. ولی تعبیر مکتب ایران با موافقت همه مسلمانان روبه‌رو نشده و موجب دور شدن آنان از انقلاب اسلامی خواهد شد. لذا آیا این اظهارات خدمت است یا به طور ناخواسته، خیانت؟ مصباحی‌مقدم با انتقاد از دفاع احمدی‌نژاد از سخنان مسوول دفترش گفت: دفاع رئیس‌جمهور مساله مشایی را به مساله دولت تبدیل می‌کند و اصلاً به صلاح نیست که او حرف‌های مشایی را تایید کند. در حالی که احمدی‌نژاد در چند جلسه این کار را کرده است.

ادامه در صفحه ۲

پاسخ علی لاریجانی به محمود احمدی‌نژاد:

مصوبه مجمع لازم‌الاجراست

عکس: عباس کرثری، شرق

گروه سیاسی: «آنچه مجلس شورای اسلامی مصوب کند و مسیر تایید آن در شورای نگهبان یا مجمع تشخیص طی شود، قانون است و مجالی در این زمینه برای برداشت‌های شاذ وجود ندارد.» این عبارت بخشی از نطق رئیس مجلس در صحن علنی بود که همزمان با آغاز مجلس بعد از تعطیلات ۲۰روزه ایراد شد و می‌توان آن را لازم‌الاجرا دانستن قانون بدون هیچ عذر و بهانه‌ای برای تمام ارکان مجری قوانین تلقی کرد که طی آن رئیس مجلس به تمام تفسیرهای دولتی از قانون و قانونگذاری خاتمه دهد. این اولین اظهارنظر از تریبون مجلس پس از اظهارنظر محمود احمدی‌نژاد پیرامون قانون مترو است که طی آن اعلام کرده بود: «این را قانون نمی‌دانم.» قانون مترو که اتفاقاً از مجرای مجلس و مجمع تشخیص مصلحت گذشته، از سوی علی لاریجانی به جای محمود احمدی‌نژاد ابلاغ شده بود. واضح است که خطاب رئیس مجلس در این مسیر مجری قانون یعنی دولت و دستگاه‌های اجرایی هستند که لاریجانی طی هفته‌های اخیر به جای آنها شش قانون ابلاغ کرد؛ شش قانونی که باید از سوی احمدی‌نژاد ابلاغ می‌شد و استنکاف رئیس‌جمهور، علی لاریجانی را به ابلاغ قانون‌های معطل مانده به جای احمدی‌نژاد واداشت. از این رو بود که دیروز رئیس مجلس ضمن دعوت به اجرای قانون، همگرایی مسوولان را هم مورد تاکید قرار داد و از دست‌اندکاران انقلاب خواست با پرهیز از امور اختلافی جزیی و پرهیز از طرح مباحث بی‌خاصیت و انحرافی یا متشابهات، مسیر وحدت ملی کشور و همگرایی مسوولان در چارچوب رهنمودهای رهبر معظم و قانون را مهیا کنند؛ موضوعی که از سوی اسدالله بادامچیان عضو فراکسیون اصولگرایان هم مورد تاکید قرار گرفت. وی در گفت‌وگو با مهر با اشاره به لازم‌الاجرا بودن قانون مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، غیرقانونی خواندن مصوبات مجمع و مجلس را خارج از حیطه اختیارات رئیس‌جمهور خواند و تاکید کرد این سخنان در شأن رئیس‌جمهور نیست و نتیجه مثبتی هم ندارد. وی همچنین تاکید کرد قانونی که از سوی مجلس تصویب شده است باید توسط رئیس‌جمهور اجرا شود و اگر رئیس‌جمهور استدلالی در این زمینه دارد باید دلیل آورده و در این باره صحبت کند. وی همچنین با اشاره به سخنان رئیس‌جمهور درباره غیرقانونی خواندن مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام اظهار داشت: رئیس‌جمهور نظر خود را گفته است و اعتقاد دارد که این قانون، قانون نیست و ما هم در پاسخ به رئیس‌جمهور نباید دعوا کنیم بلکه باید بگوییم رئیس‌جمهور محترم و مورد توجه همه ماست! این بحث‌ها که شما فرمودید که مصوبه قانونی نیست، اتفاقاً قانون است. قائم‌مقام حزب موتلفه اسلامی با بیان اینکه مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام روند قانونی را طی کرده و امروز قانون است، ادامه داد: رئیس‌جمهور اختیار این موضوع را ندارد قانونی که تصویب شده بگوید قانون نیست. این سخنان در شأن رئیس‌جمهور نیست و نتیجه مثبتی هم ندارد. بادامچیان تاکید کرد: از رئیس‌جمهور می‌خواهیم که موضوعات‌شان را مستند و با محبت بگویند. نماینده تهران با بیان اینکه بالاخره ته مذاکرات با رئیس‌جمهور بر سر این موارد به جایی می‌رسد، افزود: رئیس‌جمهور اگر بگوید مصوبات قانونی را اجرا می‌کند که موضوع تمام‌شده است و در صورتی که بگوید اجرا نمی‌کند بحث دیگری پیش می‌آید. وی در پاسخ به این سوال که در صورت اجرایی نشدن قانون چه موارد قانونی‌ای پیش می‌آید، گفت: استنکاف از عمل به قانون و تمرد از قانون، قوانین خاص خود را دارد که ما با رئیس‌جمهور به این بحث‌ها نمی‌رسیم. بادامچیان البته ابلاغ مصوبات از سوی رئیس مجلس را عادی خواند و افزود: این اتفاق نیاز به بزرگنمایی ندارد چرا که چند قانون را رئیس‌جمهور ابلاغ نکرد و رئیس مجلس این کار را انجام داد.

ادامه در صفحه ۲

گزارش «شرق» از ۱۳ طرح مشارکتی صنعت پتروشیمی

سرمایه‌گذارانی که فقط مذاکره می‌کنند

گروه اقتصادی: صنعت پتروشیمی کشور از برنامه سوم به بعد وارد دوران جهش شد. بنا بر گزارش منتشرشده طی سال‌های ۷۵ تا ۸۵ بیش از ۱۸ میلیارد دلار در این صنعت سرمایه‌گذاری شد. از جمله برنامه‌های دولت اصلاحات برای توسعه این صنعت و بهره‌مندی اقتصاد ملی از مواهب آن استفاده از سرمایه‌گذاری یا مشارکت با شرکت‌های خارجی در این مسیر بود؛ اتفاقی که در طول دوران هشت سال با جدیت دنبال شد اما تازه‌ترین گزارش‌ها نشان می‌دهد روند مشارکت‌ها چندان هم بر وفق مراد نیست. یکی از گزارش‌هایی که اخیراً در شرکت ملی صنایع پتروشیمی از طرح‌هایی که قرار بوده به صورت مشارکتی اجرا شود، تهیه شده حاکی از آن است که روند حرکت کند و همراه با چالش‌های متعددی روبه‌رو شده است. این گزارش که به ۱۳ پروژه مشارکتی پرداخته، نشان می‌دهد تمام ۱۳ پروژه مورد بررسی طبق برنامه‌ریزی اولیه پیش نمی‌رود. از ۱۳ پروژه مورد بررسی قرار بوده دو پروژه در خارج از کشور، ۱۰ پروژه در داخل و یک پروژه نیز در قالب انتقال مواد شیمیایی از ایران به ارمنستان اجرا شود. در مجموع ۹ شرکت خارجی در طرح‌های مورد نظر مشارکت کرده‌اند که هندوستان با سه شرکت بیشترین سهم را داراست. دو شرکت اندونزیایی و شرکت‌هایی از ترکیه، آفریقای جنوبی، عمان و ونزوئلا دیگر طرف‌های مشارکت در طرح‌های ایران هستند. جزییات گزارش‌ها از ۱۳ پروژه با تشریح تاریخچه طرح‌ها به دلایل تندی روند حرکت پرداخته است. اولین پروژه مورد بررسی به مشارکت در یک واحد پلی‌اتیلن در فیلیپین بازمی‌گردد. در سال ۲۰۰۵ شرکت پتروشیمی با مشارکت شرکت سرمایه‌گذاری خود و یک شرکت به نام «Polymax» سهام یک شرکت را با پرداخت ۱۰۵ میلیون دلار خریداری کرد. این شرکت در سال ۲۰۰۰ راه‌اندازی و در سال ۲۰۰۲ متوقف شده بود. در سال ۲۰۰۵ شرکت پتروشیمی با ترکیب اشاره‌شده و سرمایه اولیه ۸۵ میلیون دلار مجدداً این شرکت را راه‌اندازی و تا سال ۲۰۰۷ میلادی ۴۰ میلیون دلار دیگر خرج آن کرد اما بنا بر گزارش تهیه‌شده، تولید به دلیل تامین نشدن اتیلن کافی طبق برنامه پیش نمی‌رود. گزارش تهیه‌شده تاکید دارد این مساله موجب زیان‌دهی شرکت شده است. در حال حاضر این شرکت هر تن اتیلن را با قیمت ۱۷۰۰ دلار خریداری می‌کند و یک‌سوم این رقم به فروش می‌رساند. به همین دلیل گزارش تهیه‌شده پیشنهاد می‌کند بهبود شرایط بازار تولید متوقف شود زیرا در این صورت با توجه به هزینه ۱۰ میلیون دلاری در سال علاوه بر شرایط فروش مشکلات شرکت بیش از قبل می‌شود. گزارش با اشاره به این مخارج تصریح می‌کند ادامه فعالیت در چنین شرایطی می‌تواند مهر تاییدی بر ادعای شریک فیلیپینی مبنی بر نداشتن کفایت طرف ایرانی برای اداره شرکت بزند. در این صورت با توجه به وارد شدن مراجع حقوقی و قضایی فیلیپین شرکت ملی صنایع پتروشیمی مجبور به فروش دارایی خود به قیمت بسیار نازلی خواهد شد که این اقدام نیز زیان بالایی را برای طرف ایرانی دربر خواهد داشت. یکی دیگر از طرح‌های مشارکتی که در خارج از ایران قرار است انجام شود طرح متانول در ونزوئلا است. تفاهمنامه اجرای این طرح در سال ۸۵ امضا و قرار شده طرف ایرانی ۵۰۰ میلیون دلار و طرف ونزوئلایی ۹۰۰ میلیون دلار هزینه کند. این طرح در ونزوئلا به بهره‌برداری می‌رسد و قانون حاکم بر آن نه قانون جمهوری اسلامی ایران است و نه ونزوئلا بلکه قانون یک کشور ثالث یعنی قوانین حقوقی جمهوری فرانسه است. این امر شاید نشانه آن است که هیچ‌کدام همدیگر را قبول ندارند، کما اینکه در گزارش به این نکته اشاره شده است. گزارش تهیه‌شده حاکی از آن است که اجرای پروژه در منطقه غیرآزاد تجاری امکان برخورداری از معافیت‌های مالیاتی و گمرکی را از پروژه سلب کرده و در نتیجه اقتصاد پروژه را با چالش مواجه ساخته است. یکی دیگر از نکات مورد اشاره دوگانگی نرخ ارز و ضرورت دولتی بودن ساختار مجری پروژه ونزوئلا است. طبق قانون امکان بهره‌مندی از مزایای تبدیل ارز به نرخ آزاد طبق روش‌های متداول از پروژه سلب شده و هزینه اجرایی پروژه افزایش یافته است. در تفاهمنامه آمده مالکیت سرمایه‌گذاری انجام‌شده در پایان طول عمر پروژه به دولت ونزوئلا منتقل شود. این موضوع امکان طرح هر گونه اختلاف احتمالی در دادگاه‌های بین‌المللی و تضمین سرمایه‌گذاری را با مانع مواجه ساخته است. به همین دلیل گزارش تهیه‌شده با اشاره به ماهیت دولتی بودن سهامدار ایرانی و تنگناهای ایران برای پذیرش این موضوع خواسته است به راهکارهای برون‌رفت از این وضعیت توجه ویژه شود. در سال ۸۳ تفاهمنامه‌ای به امضا رسید که بر اساس آن قرار شد در منطقه عسلویه یک واحد اوره و آمونیاک احداث شود. مبلغ کل پروژه ۸۰۰ میلیون دلار برآورد شد و چهار شرکت پتروشیمی اراک، سرمایه‌گذاری بانک ملی و صنایع پتروشیمی به همراه یک شرکت هندی سهامدار این پروژه شدند. شرکت هندی «ساب» که ۵۵ درصد سهام را در اختیار دارد به تنهایی نیمی از هیات مدیره را در اختیار گرفت. اما فرآیند کار در این پروژه به گونه‌ای پیش رفت که شرکت بین‌المللی پتروشیمی سال گذشته اعلام کرد چنانچه سرمایه‌گذار خارجی تمایلی به تداوم همکاری ندارد نسبت به خرید یا فروش سهام بر اساس نرخ کارشناسی اقدام شود.

ادامه در صفحه ۴

تیترها

سومین نشست سران سه قوه بدون انتشار جزئیات آن برگزار شد

صفحه ۲

رئیس سازمان بازرسی اعلام کرد

کاهش ساعات اداری غیرقانونی است

صفحه ۲

پیشنهاد امروز: ورزش

پس از مصاحبه کریمی علیه مدیرعامل استیل آذین

جادوگر به جرم روزه‌خواری اخراج شد

در صفحات بخوانید

برای ادب

جلال جلالی‌زاده

صفحه آخر

سینما مرزی ندارد

منیژه حکمت

صفحه ۱۰

حذف صدایی که به آن خو گرفتیم

کیوان ساکت

صفحه آخر

حرف اول

اصفهان در انقلاب

سیدمحمود حسینی

به مناسبت پنجم رمضان و تحصن تاریخی مردم اصفهان در سال ۵۷. انگار دیروز بود. روزهای گرم و پرالتهاب تابستان ۱۳۵۷ اصفهان. مردم مثل همیشه به کار و تلاش مشغول بودند اما دل‌ها گواهی می‌داد که اوضاع آبستن رخدادهای جدیدی است، هرچند هیچ کس نمی‌توانست پیش‌بینی کند که چه خواهد شد. پس از وقایع قم و قیام تبریز و تظاهرات خونین یزد و دیگر شهرها و قصبات سراسر کشور رژیم شاه به کوشش آموزگار نخست‌وزیر وقت توانسته بود با یک استراتژی چندجانبه چندماهی چهلم‌ها را از استمرار بیندازد و شتاب حرکت مردم را بگیرد. البته نهضت ادامه داشت و زیر پوست جامعه در غلیان بود. نمی‌دانم چرا این بار افکار عمومی ایرانیان انتظار آن را داشت که این آتشفشان از اصفهان سربرآورد. آخر اصفهان شهری مذهبی فرهنگی و نیز صنعتی و کارگری بود و علاوه بر آن از آمار بالای دانش‌آموزان و دانشجویان و تحصیلکردگان برخوردار بود. چند سالی بود که دانشگاه اصفهان به کانون فعال مبارزات علیه رژیم ارتقا یافته بود و دانشگاه جدیدالتاسیس صنعتی اصفهان (آریامهر) نیز به مبارزات پیوسته بود. وجود آیت‌الله طاهری و دیگر علمای مبارز در اصفهان و نجف‌آباد و خمینی‌شهر و اقامه نماز جمعه در اصفهان و نجف‌آباد و برگزاری اجتماعات و تظاهرات در اصفهان و شهرهای اطراف ظرفیت مردمی شدن و اوج‌گیری جنبش را افزایش داده بود. همه این عوامل اجتماعی و انسانی به همراه موقعیت جغرافیایی اصفهان به مثابه چهارراه ایران انتظار خیزش در این خطه را طبیعی می‌نمود. تیرماه سال ۵۷ آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری، به تازگی از تبعید برگشته بود، استقبال عظیم مردمی از ایشان و استمرار نمازهای جمعه شور و حال جدیدی به اصفهان و شهرهای اطراف بخشیده بود. در مردادماه مبارزات اصفهان گرمای بیشتری گرفت. انتقادهای تند آقای طاهری از سیاست‌های رژیم در اجتماعات پرشکوه نماز جمعه به ویژه در خطبه‌های نماز ششم مرداد در مسجد مصلی و در همان روز سخنرانی هادی غفاری با نام مستعار ده‌خوارقانی در مسجد مرکزی شهر باعث شد جوانان انقلابی در خیابان‌های اصلی شهر به تظاهرات بپردازند.

ادامه در صفحه ۴

سرمقاله

تفاوت‌های موگابه و ماندلا

عباس عبدی

دست تقدیر و هنرمندانه‌ای برای درس‌آموزی ما و آیندگان وضعیت منحصر به فردی را خلق کرده که بسیار آموزنده و عجیب است. رابرت موگابه و نلسون ماندلا شباهت‌های زیادی داشته‌اند و دارند. هر دو مرتبط به یک نسل‌اند، موگابه ۸۶ساله و ماندلا ۹۲ساله، و هر دو عمری طولانی داشته‌اند. هر دو سیاهپوست‌اند و در دو کشوری که در همسایگی هم در جنوب آفریقا قرار دارند زندگی می‌کنند. هر دو آنان از سطح تحصیلی نسبتاً مشابهی برخوردارند. هر دو طعم تلخ بدترین نوع رژیم‌ها، که آپارتاید و تبعیض نژادی باشد را با تمام وجود چشیده‌اند و ظالمانه بودن این نوع حکومت را تا مغز استخوان خود تجربه کرده‌اند. هر دو آنان بخشی از بهترین دوران جوانی و میانسالی خود را در زندان سپری کردند و هر دو آنان برای دفاع از حقوق مردم‌شان با تمام توان خود مبارزه کرده‌اند. گرچه ماندلا زمان بیشتری را زندان بود، اما موگابه هم در بیرون زندان مبارزه مسلحانه می‌کرد که خطرات و سختی‌اش کمتر از زندان نبود. هر دو آنان زنده ماندند و پیروزی مردم‌شان را شاهد بودند، و هر دو آنان حضور در بالاترین پلکان قدرت را تجربه کردند. اما در حالی که امروز ماندلا به نماد معتبرترین و بااحترام‌ترین سیاستمدار روی زمین و قرون اخیر تبدیل شده است، موگابه چیزی جز بذرهای نفرت و کینه را نکاشته است، و اگر به تعداد انگشتان یک دست منفورترین سیاستمداران جهان را به شمارش درآوریم، قاعدتاً رابرت موگابه در میان یکی از این پنج تن است و در مورد ماندلا، نیاز به شمارش پنج تن از محبوب‌ترین سیاستمداران نیست، چراکه با فاصله زیادی از دیگران در راس قرار دارد. پرسش مهم این است که چرا دو نفری که از یک نقطه شروع کردند و بخش مهمی از زندگی آنان شباهت‌های بسیاری با هم دارد، در پایان عمر طولانی‌شان، در نقطه کاملاً متضادی از یکدیگر قرار گرفته‌اند؟ نگاهی به وضع فعلی این دو کشور گویای همه واقعیت‌هاست. رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی که در سال ۱۹۹۰ در تحریم و انزوای کامل قرار داشت، امروز به یکی از کشورهای معتبر تبدیل شده و برگزاری جام جهانی فوتبال در آنجا نمونه روشن این اعتبار است. این کشور گرچه با مشکلاتی چون ایدز دست و پنجه نرم می‌کند، اما کمابیش روند رو به رشد خود و جایگاه قدرت منطقه‌ای خود را حفظ کرد و جایگاه بین‌المللی خود را به نحو بسیار چشمگیری ارتقا داد. در مقابل وضعیت زیمبابوه بسیار تاثرآور است. این کشور که در سال ۱۹۸۰ به لحاظ شاخص‌های توسعه و در مقایسه با سایر کشورها نزدیک به رتبه‌های میانی بود، در حال حاضر جزء پنج کشور آخر در میان همه کشورها قرار دارد. فساد و تباهی، فقر، ظلم و ستم و بی‌کفایتی مشخصه این رژیم است. شاخص‌های بیکاری و تورم در آنجا با هیچ کشور دیگری قابل مقایسه نیست. برای خرید یک عدد نان باید میلیاردها دلار زیمبابوه پرداخت شود و تورم سالانه به میلیاردها درصد می‌رسد. جشن سالروز تولد نلسون ماندلا، محدود به آفریقای جنوبی و مردم آن نمی‌شود و در سایر کشورها هم آن را جشن می‌گیرند، و جشن تولد رابرت موگابه به مفتضح‌ترین مراسمی تبدیل می‌شود که در ذهن مردم فقیر زیمبابوه می‌گنجد. تفاوت این دو رهبر در کجا بود؟ اولین تفاوت که ناخواسته به نفع ماندلا شد، تاخیر ۱۰ساله در پیروزی ماندلا در مقایسه با موگابه بود. موگابه در ابتدای دهه ۱۹۸۰ پیروز شد و ماندلا در ابتدای دهه ۱۹۹۰. گذشته از اینکه فضای گفتمانی این دو دهه تفاوت‌های جدی دارند، تجربه ۱۰ساله زیمبابوه پیش روی ماندلا بود و درسی بود که براساس آن راه رفته موگابه را تکرار نکند. تفاوت دوم، نگاه گوناگون این دو نفر به مقوله قدرت بود. کسب و حفظ قدرت و حذف دیگران و درخواست تبعیت از آنان و تشکیل نظام تک‌حزبی، برای موگابه اصل بود. او شاید متاثر از فضای رژیم‌های کمونیستی هم بود، که برنامه آنان پیشبرد حکومت و کشور از طریق سلطه یک حزب بلامنازع بود. البته این تحلیل در خوشبینانه‌ترین حالت مربوط به اوایل دوره حکومت رابرت موگابه است.

ادامه در صفحه ۲